

# علم أصول الفقه

۹-۱۱-۹۱ مبادئ مختص تصديقي ۴۰

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

• قال رسول الله (ص): اعبد الله كأنك تراه فان لم تكن تراه فإنه يراك.

## ج. موقعیت در تقریر معصومان علیهم السلام

سیره و ارتکاز متشرعہ

سیره و ارتکاز افرادی کہ  
در اطراف معصومان علیهم  
السلام زندگی می کردند؛  
مثلاً مردم مدینہ

سیره و ارتکازات گروهی  
خاص

# حکم ولایبی و تأثیر موقعیت

- آنچه تا کنون بیان کردیم، بیان تأثیر موقعیت در احکام الهی بود. تأثیر موقعیت در احکام ولایبی - آنجا که معصوم علیه السلام به عنوان حاکم و ولی، حکمی صادر می نماید - واضح تر و روشن تر است. بنابراین آنچه در اینجا اهمیت دارد، تشخیص حکم ولایبی است.

## حکم ولایی و تأثیر موقعیت

- امام خمینی در قاعده لاضرر معیاری برای احکام ولایی ذکر می‌کند. وی می‌گوید: در هر روایتی که تعبیر قضی، حکم، امر و مشابه آن وجود داشته باشد، احکام مطرح در آنها ولایی است نه الهی. شارع در اینجا از آن جهت که مبین شریعت است، حکم نمی‌کند. حکم او، حکم یک ولی، زعیم و حاکم است.

## حکم ولایبی و تأثیر موقعیت

- امام خمینی بر خلاف مشهور که لا ضرر را از احکام الهی می‌شمارند، لا ضرر را حکمی ولایبی می‌داند\* در نظر مشهور - که به نظر صحیح می‌رسد - معنای قاعده‌ی لا ضرر این است که هر جا حکم به ضرر منتهی گردد، تشریح برداشته می‌شود، یعنی در لوح تشریح ضرر نیست.
- \* ر.ک: امام خمینی، رسائل، قاعده‌ی لا ضرر، ص ۵۱.

## حکم ولایی و تأثیر موقعیت

- امام خمینی اگرچه معیار مذکور را برای احکام ولایی ذکر می‌کند؛ ولی عملاً در فتاوی‌های خویش به آن پای بند نیست. به طور مثال در فراز سوم از بیان خویش در رساله‌ی لاضرر روایاتی را بیان می‌کند که در آنها تعبیر قضی آمده است. یکی از آن روایات، کلام رسول خدا است که می‌فرماید: انما اقضی بینکم بالبینات و الایمان. بنا بر نظر امام این مطلب، بیان حکم ولایی است و معنای آن این است که حاکم می‌تواند مثبتات قضا را تغییر دهد. در حالی که خود وی در فتاوی‌های خویش مثل سایر فقها اصرار دارد که قضاوت باید بر بینه یا قسم استوار باشد.

## حکم ولایبی و تأثیر موقعیت

- برخی مثل آقای حائری در این مورد احتمالی را بیان کرده‌اند. گفته‌اند: اعمال ولایت از ناحیه‌ی معصوم علیه السلام با اعمال ولایت از ناحیه‌ی غیر معصوم متفاوت است. معصوم علیه السلام چون به آینده علم دارد، اعمال ولایتش تمام حالات آینده را هم شامل می‌شود و تا وقتی ولایت وی به ولایت معصوم دیگری نقض نشده باشد، بر حال خود باقی است. در حالی که در ولایت‌های غیر معصوم که علمشان محدود به شرایط آنها است، اعمال ولایت در حیطه‌ای است که امکان علمشان وجود دارد و آن حیطه‌ی زمانی خودشان است.



## حکم ولایبی و تأثیر موقعیت

- این سخن تا حدی درست است: شخص غیر معصوم دانشش محدود به شرایط و موقعیتی است که در آن زندگی می‌کند و مادامی که زنده است و حکم خویش را تغییر نداده، حکمش اعتبار دارد. وقتی از دنیا برود، اعتبار احکام ولایبی‌اش منوط به تأیید ولی بعدی است. زیرا او از شرایط بعد از مرگش اطلاع ندارد. ولی بعد از او که از شرایط مطلع است، می‌تواند اعتبار حکم را تأیید کند که معنایش بقای شرایط است و می‌تواند حکم را تغییر دهد که معنایش تغییر شرایط است. اما اعمال ولایت معصوم علیه السلام مادامی که به ولایت دیگری نقض نشود - چه آن شخص معصوم باشد چه نباشد - قابلیت بقا دارد.

## حکم ولایبی و تأثیر موقعیت

- اما این سخن تا همین حد قابل قبول است. از این سخن نمی توان نتیجه گرفت که احکام ولایبی معصوم علیه السلام غیر قابل تغییر است. اگر بپذیریم حکمی، ولایبی است، باید قبول کنیم که ممکن است در شرایط دیگری این حکم به شکل دیگری تبدیل شود.

## حکم ولایبی و تأثیر موقعیت

- لازم به ذکر است که تغییر حکم در احکام ولایبی با تغییر حکم در احکام الهی متفاوت است. درست است که ولی می تواند حتی احکام الهی را که ثابت و جهان شمول هستند، برای دوره های زمانی تغییر دهد؛ اما آن تغییر مربوط به شرایط خیلی خاص است.

## حکم ولایی و تأثیر موقعیت

- اگر بین احکام الزامی تراحم پیش آید، مثل آن که یک واجب و یک حرام در موقعیتی قرار گیرند که امکان امتثال هر دو با هم نباشد، فقیه یا ولی می تواند یکی از آنها را فدای دیگری کند. او در حالت عادی نمی تواند حکم جهان شمول الهی را تغییر دهد. در حالی که حکم ولایی متلون به موقعیت و با توجه به شرایط صادر می شود. با تغییر شرایط، ولی می تواند حکم را تغییر دهد.

## حکم ولایبی و تأثیر موقعیت

- از جمله مواردی که امام راحل در بحث‌های فقهی به عنوان مسأله‌ی ولایبی مطرح می‌کند و معضل موجود در آن را حل می‌نماید، مسأله‌ی بیع السلاح من اعداء الدین فی حال الحرب است. روایات وارد در این زمینه با هم تعارض دارند. برخی بر جواز دلالت می‌کنند و برخی بر منع. فقهای مثل آقای خوئی و شیخ انصاری در جمع بین این روایات با مشکل مواجه شدند.

## حکم ولایبی و تأثیر موقعیت

- امام در مکاسب خویش قبل از هر چیزی این مسأله را یک مسأله‌ی سیاسی تابع شرایط سیاسی - اجتماعی می‌داند و می‌فرماید: هیچ حکم واحدی در این مسأله وجود ندارد. بعضی اوقات فروش سلاح به دشمن دین واجب است؛ مثل آنجا که فروش سلاح در زمان جنگ باعث درگیری آنها با دشمنان دیگر و مانع از حمله به سرزمین اسلام می‌شود. در برخی موارد هم فروشش حرام است؛ مثل این که با مسلح کردن دشمن امکان هجوم به اسلام تقویت می‌شود و... بدین ترتیب امام احکام خمس را برای مسأله‌ی مذکور متصور می‌داند.

## حکم ولایی و تأثیر موقعیت

- یادآور می‌شویم اگرچه در آثار فقهای گذشته به تأثیر موقعیت اشاره شده است؛ اما هیچ یک از آنها مثل امام خمینی به ذکر معیاری برای جدا کردن احکام الهی و احکام ولایی از هم نپرداخته‌اند.
- البته چون تأثیر موقعیت در احکام الهی کمتر است، فقها - به خصوص آنان که به مسأله‌ی ولایت توجه داشته‌اند - بیشتر به تأثیر موقعیت در احکام ولایی پرداخته‌اند.

## حکم ولایی و تأثیر موقعیت

- خلاصه آن که: فی الجمله - و نه بالجمله - اصل تأثیر عناصر موقعیتی را حتی در احکام الهی می‌پذیریم. بیشترین تأثیر را در ناحیه‌ی افعال می‌دانیم و قایل به کمتر بودن این تأثیر در اقوال هستیم.
- از آن سو، معنای تأثیر موقعیت در همین موارد نیز این نیست که اصلاً حکم ثابت و جهان شمول وجود ندارد. پذیرش تأثیر موقعیت از اتقان و قداست احکام نمی‌کاهد.